

Critical Studies in Texts & Programs of Human Sciences,
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)
Monthly Journal, Vol. 20, No. 6, Summer 2020, 375-398
Doi: 10.30465/crts.2020.28261.1656

An Analysis of the Obligation to Review Archaeology Curriculum Based on Competency-Based Curriculum Approach

Mahsa Veisi*

Abstract

This study examines the reasons for the commitment to change in the Archaeology curriculum at all levels of its curriculum, not based on preferences but on the basis of competency-based curriculum models. The undergraduate and postgraduate courses in this field have not been reviewed for more than thirty years, and the PhD curriculum has been the same since its beginning. Today, in the world, curricula are shifting to skill-based, and many elements are being considered in formulating these programs. This study, considering the skills defined for archaeological graduates in the US Occupational Information Network (O * NET) as an index of the content analysis of archaeological educational competence in Iran, examines the relevance of this. The chapters deal with the skills. Its main purpose is to emphasize the need to review these courses based on a competency-based curriculum approach. The collection of data required in this study is library and documentary, and the method of data processing is descriptive and explanatory.

Keywords: Archaeology, Curriculum, Skills, Competency Approach.

* Assistant Professor of Cultural History, Research Institute for Historical Sciences, Institute for Humanities and Cultural Studies, mahsaveisi@yahoo.com

Date received: 2020-01-21, Date of acceptance: 2020-05-23

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

تحلیلی بر التزام بازبینی برنامه‌های درسی رشته باستان‌شناسی براساس رویکرد برنامه‌ریزی درسی مبتنی بر شایستگی^۱

مهسا ویسی*

چکیده

نگارنده در این پژوهش علل التزام تغییر سرفصل‌های درسی رشته باستان‌شناسی را در تمام مقاطع آن نه براساس سلاقی، بلکه بر مبنای الگو و مدل برنامه‌ریزی درسی مبتنی بر شایستگی بررسی و تبیین کرده است. برنامه‌های درسی در این رشته در مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد بیش از سی سال است که بازبینی نشده است و برنامه‌های درسی دوره دکتری نیز از ابتدای تأسیس این مقطع به همین شکل بوده است. امروزه، در جهان برنامه‌های درسی براساس مهارت‌محوری تنظیم می‌شوند و عناصر بسیاری در تدوین این برنامه‌ها مورد نظر قرار می‌گیرد. در این پژوهش با در نظر گرفتن مهارت‌های عمومی تعریف شده برای دانش‌آموخته باستان‌شناسی در شبکه اطلاعات شغلی آمریکا (O*NET) به‌منزله شاخص تحلیل محتوای شایستگی آموزشی باستان‌شناسی در ایران میزان هم‌پوشانی برنامه‌های درسی با این مهارت‌های مرجع بازبینی شده است. هدف اصلی نیز تأکید بر لزوم بازبینی درس‌ها بر مبنای رویکرد برنامه‌ریزی درسی مبتنی بر شایستگی است. گردآوری داده‌های مورد نیاز در این پژوهش به صورت کتابخانه‌ای و اسنادی و شیوه پردازش داده‌ها توصیفی و تحلیلی است.

کلیدواژه‌ها: رشته باستان‌شناسی، برنامه درسی، مهارت، رویکرد شایستگی.

* استادیار گروه پژوهشی تاریخ فرهنگی، پژوهشکده علوم تاریخی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، mahsaveisi@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۰۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۳/۰۳

۱. مقدمه

ضرورت توجه به ارتباط مهارت و اشتغال از آن‌جا ناشی می‌شود که یکی از مشکلات حال حاضر جامعه ایران در مورد آموزش عالی مسئله کاربرد علوم انسانی در جامعه و اشتغال است که در سال‌های اخیر به اشکال گوناگون مطرح شده و مورد بحث قرار گرفته است. آموزش عالی حلقه اتصال دانش‌آموزی، مهارت، و اشتغال است. بنابراین، بررسی پایه و اساس برنامه درسی در هر رشته‌ای می‌تواند در این زمینه بسیار مهم تلقی شود. اگر آموزش‌ها کاربردی باشند و براساس اهداف رشته تنظیم شوند و در سطح بالای دانش ارائه شوند، دانش‌آموختگان این رشته‌ها می‌توانند وضعیت علوم انسانی را در کشور ارتقا دهند. پیش از ورود به بحث لازم است که معنای چند اصطلاح را که در این نوشتار استفاده شده است روشن کنیم:

مقصود از مهارت توانایی مستمر و مستقل برای انجام دادن کاری یا ایجاد کردن تغییری و مقصود از مهارت‌محوری درس‌های یک رشته تدوین برنامه درسی بر مبنای اهداف و شاخص‌های راه‌بردی یا عملیاتی براساس مهارت‌های مورد نیاز شخص متخصص در هر رشته و دانش است. به این معنا که درس‌های آموزشی در هر رشته‌ای باید به منظور پرورش مهارت‌های مورد نیاز برای متخصص آن رشته باشند. مراد از محتوای کاربردی درس‌ها نیز محتوایی است که در راستای مهارت‌های مورد نیاز و همچنین، ماهیت اصلی دانش باشد و ضروریات علمی آن حیطه از دانش را در بر بگیرد.

باستان‌شناسی نیز یکی از شاخه‌های علوم انسانی است که نزدیک به نود سال از عمر آموزش دانشگاهی آن در ایران می‌گذرد. این دانش از ابعاد و وجوه گوناگون قابل بررسی است. از میان وجوه مختلفی که این دانش دارد، بُعد آکادمیک آن به منزله رشته‌ای دانشگاهی در این پژوهش مدنظر است. به تعبیر دیگر، حیطه این پژوهش نگاهی به روند شکل‌گیری سرفصل درس‌های رشته باستان‌شناسی در بستر تاریخی ایران معاصر و ناظر به باستان‌شناسی از بُعد رشته‌ای دانشگاهی (آکادمیک) و از منظر جنبه‌های مهارتی است. هدف اصلی در این پژوهش تأکید بر لزوم بازبینی این درس‌ها بر مبنای رویکرد برنامه‌ریزی درسی مبتنی بر شایستگی است. تا زمانی که برنامه‌های درسی یک رشته تحصیلی در راستای اهداف، ماهیت، و مهارت‌های شغلی آن نباشد، برآیند ناکارآمدی در جامعه خواهد داشت و چندان کاربردی نخواهد بود. گردآوری داده‌های مورد نیاز در این پژوهش به صورت کتاب‌خانه‌ای و اسنادی و شیوه پردازش داده‌ها توصیفی و تحلیلی است.

۲. نگاهی بر روند تدوین برنامه‌های درسی رشته باستان‌شناسی در ایران

مبانی فکری در تدوین برنامه‌های آموزشی رشته باستان‌شناسی را در سه بستر تاریخی می‌توان بررسی کرد: دوران اول از ابتدای تأسیس رشته تا قبل از تحولات دوران دکتر نگهبان، دوران دوم تحولات ایجادشده در دوران دکتر نگهبان تا انقلاب اسلامی، و دوره سوم از بازیینی برنامه‌های درسی بعد از انقلاب فرهنگی تاکنون.

دوره آغازین را می‌توان در بازه زمانی حدودی ۱۳۱۴ تا اواخر دهه ۱۳۳۰ دانست. در این دوره ابتدا، رشته باستان‌شناسی با نام «آثار باستان» شناخته می‌شد و سرفصل درس‌ها نیز حول محور هنر و تاریخ طراحی شده بود (سالنامه دانش‌سرای عالی ۱۳۱۵). علت چنین مسئله‌ای را فقط می‌توان در توانایی استادان حاضر در آن دوره بررسی کرد. بدین معنی که درس‌های تعریف‌شده در این مقطع نه برمبنای ماهیت رشته، بلکه برمبنای تخصص افرادی که در آن زمان برای تدریس در دسترس بودند برنامه‌ریزی شده بود. از محتوای درس‌ها اطلاعی در دست نیست، اما کلیت دو بخشی که بر برنامه سالیانه حاکم بود (یعنی علم آثار و تاریخ ایران) تاریخی و هنری است.^۲ به فاصله کوتاهی از این دوره با بازگشت تحصیل‌کردگان از اروپا، یعنی عیسی بهنام، مهدی بهرامی، و محسن مقدم این روند تغییر کرد. در این دوره سرفصل درس‌ها کاملاً تغییر می‌کند و اندکی به باستان‌شناسی نزدیک‌تر می‌شود. نقش عمده در تدوین درس‌های این دوره به احتمال زیاد برعهده عیسی بهنام^۳ بوده است که از سال ۱۳۲۰ استاد گروه باستان‌شناسی و سپس، مدیر این گروه شد. تمامی افراد حاضر در گروه در این سال‌ها بخش عمده تحصیلاتشان علاوه بر باستان‌شناسی در زمینه هنر، هنرهای زیبا، و تاریخ هنر بود و بعدها عزت‌الله نگهبان درمورد درس‌هایی که در این دوره تدریس می‌شد اظهار می‌دارد که اگرچه برخی از درس‌ها عنوان باستان‌شناسی داشتند، اما از نظر محتوایی با تاریخ هنر سروکار داشتند (نگهبان ۱۳۷۶: ۷۲). این برنامه فقط برای یک دوره تحصیلی اجرا می‌شود و در دوره بعد که این گروه به‌طور رسمی عنوان باستان‌شناسی به خود می‌گیرد، اگرچه به‌ظاهر درس‌ها عنوان باستان‌شناسی به خود می‌گیرند، اما (با استناد به گفته‌های نگهبان که این درس‌ها را در دوره دانشجویی گذرانده) به‌لحاظ محتوایی به تاریخ هنر مربوط بودند و همچنین، رکن اصلی باستان‌شناسی که کاوش و عملیات فنی و تخصصی مرتبط با آن است و در آن سال‌ها شغل اصلی باستان‌شناسان را شکل می‌داد در این مقطع زمانی وجود نداشت.

در دوره دوم و از آغاز دهه ۱۳۴۰ به بعد با روی کار آمدن عزت‌الله نگهبان، که دستاوردهای مهمی چون تأسیس مؤسسه باستان‌شناسی دانشگاه تهران و آغاز فعالیت‌های میدانی و تغییر اساسی در برنامه درسی و افزودن واحدهای عملی باستان‌شناسی را به‌همراه

داشت، برنامه‌های درسی بیش‌تر به سمت باستان‌شناسی محض متمایل شد و به‌نوعی مهارت‌محور شد.^۴

دوره سوم و مهم‌ترین دوره در آموزش رشته باستان‌شناسی بعد از انقلاب فرهنگی و بازبینی درس‌هاست؛ چراکه برنامه‌ای که در آن زمان تصویب شد تاکنون، یعنی قریب به بیش از سی سال است که پابرجا باقی مانده است. تغییراتی که در برنامه جدید ایجاد شد نه براساس ماهیت رشته، بلکه بر مبنای سلیقه افراد حاضر در جلسه شورای برنامه‌ریزی درسی گروه باستان‌شناسی بود. به‌گفته ملک‌شهمیرزادی علاوه‌بر کارگروه غیرمرتبط با باستان‌شناسی، از جمله افراد مرتبط با باستان‌شناسی در این جلسه یکی از دانشجویان کارشناسی ارشد باستان‌شناسی بوده است. درحالی‌که از بسیاری از اعضای قدیمی گروه که بعد از انقلاب نیز هم‌چنان در گروه باقی بودند نظرخواهی نمی‌شود که این مسئله می‌تواند نقش مهمی در ناکارآمدی برنامه درسی داشته باشد.^۵ نکته‌ای که باید بدان توجه کرد این است که شاید در آن زمان برنامه آموزشی تدوین شده پاسخ‌گوی نیازهای آموزشی آن برهه از تاریخ در این رشته بوده است. به‌هرروی، باید وضعیت حاکم بر کشور را در اوایل انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی نیز در نظر گرفت که عوامل بسیار تأثیرگذاری در روند آموزشی کشور بودند. به‌نوعی می‌توان دوران آغاز انقلاب را در این رشته دورانی دانست که تمامی مبانی آن تغییر کرد و بنابراین از نو زاده شد. این برنامه درسی شاید به‌راحتی می‌توانست پاسخ‌گوی نیاز آن روز جامعه در آموزش رشته باستان‌شناسی باشد، اما نه برای مدت‌زمان بیش از سی سال. با معیارها و استانداردهای کنونی این دانش از بُعد آکادمیک در جهان این برنامه‌های درسی نه تنها پاسخ‌گو نیست، بلکه صورت مبتدی و اولیه‌ای از این دانش را به‌خصوص در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری به نمایش می‌گذارد و محتوای کاربردی مطلوبی ندارد. رشته باستان‌شناسی در ایران که سابقه‌ای هم‌پای تأسیس دانشگاه تهران دارد و از جمله علوم انسانی است و در حال حاضر به‌علت تبیین‌نشدن جایگاه آن در جامعه نتوانسته با بدنه اشتغال در کشور ارتباط معناداری بیابد که البته این مسئله ریشه در برنامه‌های فرادستی دارد. اما درکنار بسیاری مسائل دیگر، که دلایل چنین معضلی را شکل داده‌اند، یکی از مشکلات نیز می‌تواند تطابق‌نداشتن برنامه‌های درسی این رشته در مقاطع مختلف تحصیلی با ماهیت کاربردی این رشته باشد. ذکر این نکته ضروری است که بعد از انقلاب فرهنگی برنامه‌های درسی مقاطع کارشناسی^۶ و کارشناسی ارشد^۷ این رشته بازبینی شدند و این برنامه تاکنون تغییری نکرده است و برنامه‌های درسی مقطع دکتری این رشته نیز هم‌زمان با شکل‌گیری در سال ۱۳۷۴^۸ تدوین شدند و تاکنون تغییری نکرده است.

اگرچه بحث بازیابی این برنامه‌های درسی مدت‌هاست مطرح شده، اما باید در نظر داشت که نباید دوباره به شکل سلیقه‌ای عمل کرد. امروزه جهان در زمینه تربیت متخصصان در همه دانش‌ها به سمت شایسته‌پروری پیش می‌رود و برای تنظیم برنامه‌های آموزشی نیز بر مبنای رویکرد برنامه‌ریزی درسی مبتنی بر شایستگی عمل می‌شود تا بدین وسیله افراد متخصص‌تر تربیت شوند و آماده ورود به بازار کار باشند. بدین ترتیب، نگارنده در این پژوهش با نگاهی به برنامه‌های درسی کنونی رشته باستان‌شناسی به دنبال تبیین التزام بازیابی این برنامه‌های درسی آن هم نه بر مبنای سلاقی شخصی برنامه‌ریزان، بلکه بر اساس شاخص‌گیری مهارت‌های عمومی مورد نیاز دانش‌آموخته این رشته در رویکرد شایستگی است. توضیح این نکته لازم است که در این نوشتار مهارت‌های عمومی‌ای که دانش‌آموخته باستان‌شناسی باید داشته باشد «شاخص» در نظر گرفته شده است. این مهارت‌ها از فهرست شبکه اطلاعات شغلی آمریکا (O*NET)^۹ برداشته شده است. ذکر این توضیح ضروری است که هدف از این نوشتار تبیین به‌کارگیری رویکرد شایستگی در بازیابی سرفصل درس‌های رشته باستان‌شناسی است که چهارچوب این رویکرد همان‌طور که به تفصیل در متن توضیح داده شده بر مبنای مهارت است و فقط برای باستان‌شناسی کاربرد ندارد، بلکه رویکردی است که در حال حاضر در تمامی جهان برای برنامه‌ریزی آموزشی استفاده می‌شود و از آن‌جاکه مبنای آن بر اساس مهارت‌های مورد نیاز برای دانش‌آموخته در هر رشته است، مهارت‌های استاندارد جهانی که در شبکه (O*NET) برای تمامی رشته‌ها از جمله باستان‌شناسی آمده است و شاخص سنجش میزان انطباق سرفصل درس‌ها با این مهارت‌هاست و از کشوری به کشور دیگر تفاوت نمی‌کند و بر اساس ماهیت این دانش در نظر گرفته شده است. این شبکه شغلی فقط مختص رشته باستان‌شناسی نیست، بلکه مأخذی جهانی است که مشاغل مرتبط با تمامی رشته‌های تحصیلی در سطح جهان و همچنین، مهارت‌های عمومی مورد نیاز با هریک از این مشاغل را در بر دارد و کاربرد آن فقط در آمریکا نیست، بلکه به‌منزله استاندارد جهانی و مرجعی جهانی برای تمامی رشته‌ها کاربرد دارد و به‌نوعی مهارت‌های پایه را تعریف کرده است. از آن‌جاکه ممکن است این شبهه پیش آید که استفاده از مهارت‌های مدنظر آمریکا در شبکه شغلی آمریکا برای تعمیم یا استفاده در ایران کاربرد ندارد باید تأکید کرد که این مهارت‌ها فقط مدنظر آمریکا نیست، بلکه تعریفی جهانی از مهارت‌های مورد نیاز برای دانش‌آموختگان هر رشته تحصیلی به‌طور عمومی است که از کشوری به کشور دیگر تفاوت ندارد و بر اساس ماهیت هر دانش است.

۳. پیشینه پژوهش

مبحث سرفصل‌های آموزشی مقاطع مختلف باستان‌شناسی در سال‌های اخیر مورد بحث بسیاری از اندیشمندان این عرصه بوده است و ناکارآمدی این سرفصل‌ها کماکان مورد انتقاد و بحث است. پژوهش‌های انجام‌شده در این حیطه در تقسیم‌بندی مقاله‌ها، همایش‌ها، و پایان‌نامه‌ها قابل بررسی‌اند.

شهرام زارع، محمدرضا سعیدی هرسینی، و کامیار عبدی از جمله کسانی هستند که در این باره مقاله‌هایی منتشر کرده‌اند.

- شهرام زارع در چند مقاله برنامه‌های آموزشی باستان‌شناسی دانشگاه تهران را مورد نقد قرار داده است و به نکات ارزش‌مندی اشاره می‌کند که شایسته تأمل است. نگارنده در این مقاله‌ها پیش‌نهادهای و انتقادهای خود را در مورد درس‌های مقطع کارشناسی باستان‌شناسی عنوان کرده است. اهمیت این نوشتار از آن نظر است که خود نیز در این فضای آموزشی دانشجو بوده و نکته قابل توجه آن است که نویسنده فقط نقد انجام نداده است، بلکه پیش‌نهادهایی نیز ارائه داده است که قابل توجه است (زارع ۱۳۷۸: ۴-۵؛ زارع ۱۳۸۰: ۴-۶).

- کامیار عبدی از زاویه‌ای دیگر این موضوع را بررسی کرده است و در بحثی با عنوان «باستان‌شناسی یا تاریخ هنر» اساس سرفصل‌های کارشناسی را زیر سؤال برده و بیش‌تر درس‌ها را مرتبط با تاریخ هنر می‌داند و ریشه این مسئله را بر مبنای تاریخی نیز واکاوی کرده است. او هدف از این کار را نشان دادن ضعف شدید نظام آموزشی باستان‌شناسی در کشور دانسته و به‌طور کلی، زیربنای آموزشی این رشته را زیر سؤال می‌برد. اگرچه چندی بعد نقدی بر این مقاله نوشته شده و برخی مباحث آن را مورد تردید قرار داده است (عبدی ۱۳۸۱: ۴-۸).

- سعیدی هرسینی در مقاله‌ای مجزا و در مقاله‌ای مشترک به‌همراه احمد چایی‌چی امیرخیز سیر شکل‌گیری آموزش باستان‌شناسی را در ایران و محتوای کمی و کیفی درس‌های کارشناسی را مورد بررسی قرار داده است (هرسینی ۱۳۷۹: ۵۰-۵۵؛ هرسینی و چایی‌چی امیرخیز ۱۳۹۱: ۶۰-۸۰). در مقاله نخست ضمن ارائه تاریخچه‌ای از تشکیل گروه باستان‌شناسی سرفصل‌های آن از جنبه‌های گوناگونی چون میزان هماهنگی با پیشرفت‌ها و دستاوردهای علمی روز رشته، آموزش‌های کاربردی، میزان تداخل و تکرار مطالب، و نیز حجم و تعداد واحدهای درسی مورد بررسی قرار گرفته و در مواردی نیز پیش‌نهادهایی ارائه شده است. در مقاله

بعدی کاربردی نبودن ماهیت و محتوای درس‌ها را به بحث کشیده‌اند و روند تحول درس‌ها و منابع آموزشی رشته باستان‌شناسی را بررسی کرده‌اند که از نظر بررسی روند این تحول این منبع دارای اهمیت است و حاوی نکات نوینی است.

در زمینه همایش‌ها، همایش برگزار شده با عنوان «امکان‌ها و امکانات تحول آموزش در باستان‌شناسی ایران» قابل ذکر است که در سال ۱۳۸۸ در دانشگاه بوعلی سینای همدان با حضور استادان رشته باستان‌شناسی دانشگاه‌های دولتی و آزاد سراسر کشور، پژوهشکده باستان‌شناسی، پژوهشگاه میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری، و جمعی از پژوهشگران و استادان پیش‌کسوت حوزه باستان‌شناسی کشور، و دانشجویان باستان‌شناسی با هدف بررسی ظرفیت‌های توسعه امر آموزش باستان‌شناسی و ارتقای سطح دانش و امکانات حرفه‌ای این رشته برگزار شد. در این همایش مقاله‌هایی درباره نقد آموزش باستان‌شناسی در ایران ارائه شد و بسیاری از استادان از جمله حسن طلائی، حکمت‌الله ملاصالحی، ناصر نوروززاده چگینی، و ... و هم‌چنین، برخی از دانشجویان مقاله‌هایی درمورد آموزش باستان‌شناسی در ایران ارائه دادند و در پایان همایش نیز قطع‌نامه‌ای با محتوای ارزیابی و تجدیدنظر در عنوان‌های درس‌های دوره کارشناسی تصویب شد و قرار بر این شد که هریک از کارگروه‌های تخصصی و در نهایت کارگروه عمومی آن را تصویب کنند. هم‌چنین، برای تهیه سرفصل درس‌های مصوب در زمان ۴۵ روز به‌دست اعضای تعیین شده در کارگروه‌ها برنامه‌ریزی شد و عنوان‌های درس‌های دوره کارشناسی ارشد که نیازمند تصویب نهایی بودند بررسی شد و مورد تجدیدنظر مقدماتی قرار گرفت. هم‌چنین، افزون بر گرایش‌های سه‌گانه موجود پیش‌نهادهای تصویب گرایش‌های جدید و موردنیاز در دوره کارشناسی ارشد نیز تصویب شد.

در تعدادی از پایان‌نامه‌های دانشگاه‌های دولتی و غیردولتی نیز این موضوع بررسی شده است، اما در هیچ‌یک از پژوهش‌های نام‌برده شده به لزوم به‌کارگیری راه‌بردی اساسی در رابطه با برنامه‌ریزی‌های درسی اشاره نشده است و فقط از برنامه‌های جاری انتقاد شده و پیش‌نهادهایی نیز برای جای‌گزینی برخی از درس‌های ارائه شده است که از این نظر این پژوهش در مقایسه با پژوهش‌های پیشین دارای نوآوری و متمایز است.

۴. معنا و مفهوم رویکرد شایستگی در آموزش

باوجود اهمیت علوم انسانی و نقش ویژه‌ای که این علوم در سیاست‌گذاری‌ها و تعیین خط‌مشی‌های اصلی جامعه دارد، پژوهش‌ها نشان می‌دهند که رشته‌های علوم انسانی

موردی توجهی واقع شده‌اند و بخشی از آسیب‌های وارد شده به این حوزه از دانش ناشی از کاربرد روش‌های آموزشی نامناسب، غیرمسئولانه و نادرست، مسئله‌محور نبودن این علوم، غیربومی و وارداتی بودن دانش موجود، و کمبود پژوهش‌های واقعی است. نتیجه چنین وضعیتی کاهش شاخص‌های کیفی در آموزش رشته‌های علوم انسانی و تربیت دانش‌آموختگانی است که به‌علت دانش و مهارت ناکافی توان‌مندی لازم را برای بررسی موضوعات علوم انسانی آن‌طور که شایسته جایگاه این علوم است ندارند. از آن‌جاکه عامل اصلی در آموزش و پژوهش هر حوزه‌ای نیروی انسانی متخصص در آن حوزه است در علوم انسانی نیز ضعف عاملیت انسانی و ناکارآمدی نیروی متخصص در این زمینه را می‌توان علت اصلی رشد نیافتگی این دسته از علوم دانست. پرورش نیروی انسانی نیز بیش از هر چیز به آموزش اثربخش نیاز دارد. آموزشی که برنامه‌ریزی شده و هدف‌مند باشد و با نگاه به آینده محور فعالیت‌های آموزشی و یادگیری خود را شایسته‌سالاری و شایسته‌پروری قرار دهد (کدخدایی و دیگران ۱۳۹۶: ۱۰۶-۱۰۷).

آماده‌سازی جوانان برای اشتغال همواره یکی از اهداف نظام آموزش عالی بوده است که در عصر کنونی شاید بتوان گفت مهم‌ترین هدف آن نیز محسوب می‌شود. گسترش چشم‌گیر دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی و هم‌چنین برون‌داد آن، یعنی حجم عظیم دانش‌آموختگان، مؤسسات آموزش عالی را در دهه‌های اخیر به سمت مفهوم‌سازی و سنجش ابعاد مختلف کیفیت در آموزش عالی متمرکز کرده است (یوسفی افراشته و دیگران ۲۰۳: ۱۳۹۳). از سوی دیگر، در چند دهه گذشته با افزایش نرخ بی‌کاری دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها انتقادهای نظام آموزشی فزونی یافته است. در این باره، بعضی از مسئولان و متخصصان کوشیده‌اند با اتخاذ تدابیری برنامه‌های درسی را با مقتضیات جامعه و دنیای کار پیوند دهند تا از این طریق ضمن ممانعت از بی‌کاری دانش‌آموختگان به تقاضای بخش‌های مختلف اقتصادی کشور به نیروی انسانی ماهر و متخصص پاسخ دهند (بینقی و سعیدی رضوانی ۱۳۸۰).

مشکلات درمورد ناسازگاری برنامه‌های درسی با تقاضای بازار کار و موفق نبودن برنامه‌های درسی در کمک به دانشجویان برای کسب اطلاعات و مهارت‌های لازم برای ایفای نقش مؤثر در دنیای کار متحول امروزی به‌فراوانی مشاهده می‌شود. بنابراین، می‌توان مشکلاتی را از قبیل ناسازگاری برنامه‌های درسی با تقاضای بازار کار و موفق نبودن برنامه‌های درسی در کمک به دانشجویان برای کسب اطلاعات و مهارت‌های لازم به‌منظور ایفای نقش مؤثر در دنیای کار از دلایل شکست یک برنامه تلقی کرد. برنامه‌های درسی

دانشگاهی باید به گونه‌ای باشد که توانایی، صلاحیت، یا شایستگی لازم را برای مواجهه با حیطه‌های تخصصی در دانشجو و دانش آموخته به وجود آورد و تناسب لازم را نیز داشته باشد. بنابراین، بازنگری و طراحی برنامه‌های درسی دانشگاهی به منظور اصلاح وضعیت یادشده ضروری به‌شمار می‌رود (عارفی ۱۳۸۴: ۱۰۱). این درحالی است که برمبنای توضیحاتی که پیش‌تر داده شد، در تدوین برنامه‌های درسی رشته باستان‌شناسی هیچ‌یک از این عناصر در نظر گرفته نشده است و برنامه‌های درسی این رشته کاملاً فرسوده است.

عمده‌ترین تأثیری که جهانی‌شدن در دنیای کار داشته این است که به جای این‌که مشاغل به افراد دارای دانش و تخصص خاص نیاز داشته باشند به علت تغییری که در ماهیت کار ایجاد شده است، به افرادی نیاز دارد که مجموعه‌ای از مهارت‌ها را داشته باشند. از آن‌جاکه نیروی کار را بیش‌تر نظام‌های آموزشی تربیت می‌کنند و به بازار کار روانه می‌سازند، باید دقت داشت که برنامه درسی فعلی هر رشته‌ای در مراکز آموزش عالی تا چه حد برای پرورش چنین نیروهای کاری مناسب است (کرمی و مؤمنی ۱۳۹۰: ۷۴). پرورش افراد برای دنیای کار باید به گونه‌ای صورت پذیرد که نظام آموزش عالی شایستگی‌های لازم را در آن‌ها در زمینه‌های عمومی و تخصصی ایجاد کند و این محقق نخواهد شد مگر آن‌که برنامه‌های درسی به گونه‌ای طراحی شده باشند که این شایستگی‌ها را در دانش‌آموختگان ایجاد و تقویت کند (مؤمنی و دیگران ۱۳۸۷: ۱۲۹). حرکت انتقالی از برنامه‌های درسی محتوا‌محور به برنامه‌های درسی صلاحیت‌محور، مرتبط با حرکت از شکل‌های معلم‌محور به شکل‌های فراگیر‌محور است (منصوری و دیگران ۱۳۹۵: ۶). یکی از رویکردها برای تشریح رابطه آموزش و دنیای کار و کاهش شکاف آموخته‌های دانشجویان و نیازهای حرفه‌ای، برنامه درسی مبتنی بر شایستگی است و با شناخت رویکرد شایستگی و ویژگی‌ها و عناصر برنامه درسی در این رویکرد و هم‌چنین فرایند طراحی و برنامه‌ریزی درسی مبتنی بر شایستگی و بهره‌گیری از این رویکرد می‌تواند در ارتقای کیفیت نظام آموزشی مؤثر واقع شود. در این رویکرد، تأکید اصلی بر دستاوردهای کاملاً مشخص و تعریف‌شده و براساس نیازهای جامعه و بازار کار است. الگوی شایستگی فهرستی از شایستگی است که یک فرد در شغل خاصی باید واجد آن‌ها باشد (هدایتی و دیگران ۱۳۹۵: ۹۴). در ادبیات برنامه‌ریزی آموزشی و درسی، به رویکردها و الگوهای مختلف برای پیوند آموزش و بازار کار اشاره شده است. به نظر می‌رسد که بتوان مجموع نظرات متخصصان را در سه رویکرد دسته‌بندی کرد: رویکرد حرفه‌آموزی، رویکرد یک‌پارچه‌سازی آموزش عملی و نظری، و رویکرد پرورش صلاحیت‌ها و مهارت‌های پایه. رویکرد برنامه‌ریزی درسی مبتنی بر شایستگی

به‌منظور تأکیدی که بر شایستگی‌ها دارد می‌تواند به‌منزله راه‌بردی برای تحقق هدف پرورش صلاحیت‌های شغلی به‌کار گرفته شود. از مهم‌ترین عناصر آموزش و پرورش برنامه‌های درسی تناسب لازم در راستای اهداف و وظایف و تحولات مربوطه است تا بتواند نقش مؤثری را ایفا کند. پرورش افراد برای ورود به جامعه آموزش عالی و بازار کار باید به‌گونه‌ای صورت پذیرد که شایستگی‌های لازم را در آن‌ها در زمینه‌های عمومی و نیمه‌تخصصی و تخصصی ایجاد کند و این محقق نخواهد شد مگر آن‌که برنامه‌های درسی به‌گونه‌ای طراحی شده باشند که این شایستگی‌ها را در دانش‌آموختگان ایجاد و تقویت کند. بنابراین، بازنگری و طراحی برنامه‌های درسی مبتنی بر شایستگی می‌تواند گامی در راستای تقویت و احیای شایستگی‌های دانش‌آموختگان و متناسب با نیازهای جامعه و بازار کار و صنایع در نظر گرفته شود و شایستگی‌های لازم را در آن‌ها پدید آورد (مؤمنی و دیگران ۱۳۹۰: ۱۴۵-۱۴۶). برنامه‌ریزی و یادگیری مبتنی بر شایستگی در قلمرو شغلی به‌معنای شناسایی شایستگی‌هایی است که ارتباط مستقیمی با عملکرد آینده فرد دارند و بنابراین می‌توانند اهداف برنامه‌های آموزشی را تشکیل دهند. بدون تردید، تدوین شایستگی‌هایی که بتوانند هم در عرصه آموزش و هم در حوزه کار مناسب باشند امری دشوار و مستلزم هماهنگی کارفرمایان، برنامه‌ریزان، دست‌اندرکاران نظام آموزشی است. اما باید توجه داشت که آموزش و مهارت‌آموزی مبتنی بر شایستگی نیز جهت‌گیری‌هایی دارد که هر یک بر مبنای معرفتی خاص استوار است. بدیهی است، بدون توجه به این مبانی تدوین برنامه‌های درسی با اهداف نظام‌های آموزشی کارآیی لازم را نخواهند داشت (مرجانی ۱۳۹۵: ۱۲). برنامه درسی در استفاده از رویکرد مبتنی بر شایستگی برنامه درسی می‌تواند به‌گونه‌ای طراحی شود که فارغ‌التحصیلان را برای کار آماده سازد، تأکیدش بر مهارت‌های تفکر انتقادی و حل مسئله باشد، مراحل را برای یادگیری مادام‌العمر به‌منظور حفظ مهارت‌ها و دانش به‌روزشده برقرار سازد، و رویکردی تلفیقی داشته باشد تا رویکرد سنتی مبتنی بر موضوع بر نتایج و اعمال قابل مشاهده تمرکز داشته باشد. از مزایای این نظام این است که دانشجویان اطمینان و اعتماد به نفس کسب می‌کنند، بر حوزه‌های خاص تسلط می‌یابند، در مورد عمق و وسعت شایستگی موردنیاز آگاهی می‌یابند، و به آن‌ها فرصت کافی داده می‌شود تا سطح خاصی از شایستگی را کسب کنند و در صنایع متناسب به‌آسانی به‌کار گرفته شوند. تدوین‌کنندگان برنامه‌های درسی باید به این نکته توجه داشته باشند که برنامه درسی باید به‌گونه‌ای تدوین شود که شایستگی‌های لازم (دانش، مهارت، و نگرش) را به‌منظور موفقیت دانش‌آموختگان در موقعیت‌های شغلی و زندگی در آن‌ها ایجاد و تقویت

کند (مؤمنی و دیگران ۱۳۹۰: ۱۴۸). مجموعه دانش، مهارت، و نگرش‌هایی که کارکنان را قادر می‌سازد به صورتی اثربخش فعالیت‌های مربوط به شغل یا عملکرد شغلی را طبق استانداردهای موردانتظار انجام دهند «شایستگی» نامیده می‌شود.

دانش: فرایند توسعه دانش و معلومات نظری از راه تحصیل در سطوح دانشگاهی حاصل می‌شود. توسعه دانش و معلومات زیربنای توسعه مهارت‌ها و نگرش به‌شمار می‌آید و به‌تنهایی تأثیر چندانی در توسعه شایستگی ندارد.

مهارت: مهارت به مفهوم توانایی پیاده‌سازی علم در عمل است.

نگرش: تصویر ذهنی و درک انسان از پدیده‌های پیرامون خود و تصمیم‌گیری برای عمل بر مبنای همان تصویر ذهنی است (شهبازی و دیگران ۱۳۸۱: ۱۰۸). الگوی برنامه درسی مبتنی بر شایستگی معمولاً ویژگی‌های خاصی را برای عناصر برنامه درسی که عبارت‌اند از هدف‌ها، محتوا و فعالیت‌های یادگیری، روش تدریس، و ارزش‌یابی در نظر می‌گیرد (هدایتی و دیگران ۱۳۹۵: ۹۹).

بنابراین، منظور از برنامه درسی مبتنی بر شایستگی برنامه‌ای است که براساس دانش، توانایی و مهارت، نگرش، گرایش، و اعتقادات موردنیازی که دانش‌آموخته یک رشته برای موفقیت در حرفه‌اش باید داشته باشد طراحی و تدوین می‌شود. در برنامه‌های آموزشی سنتی که معمولاً به صورت سخن‌رانی نیز برگزار می‌شود، آنچه بیش تر اتفاق می‌افتد انتقال دانش است؛ در حالی که در رویکرد توسعه مبتنی بر شایستگی انتقال دانش جزء کوچکی از برنامه‌های آموزشی است، زیرا شایستگی علاوه بر دانش شامل توانایی، مهارت، نگرش، و انگیزه است. در این برنامه‌ها سعی بر آن است که فرد شایستگی را در عمل یاد بگیرد (مؤمنی و شریعتمداری ۱۳۸۸: ۱۴۴). به‌دیگرسخن، هدف اصلی از به‌کاربردن شایستگی‌ها در طراحی برنامه درسی افزایش احتمال انتقال تجربه‌های یادگیری در پی آمده‌های سازمانی مبتنی بر عملکرد است. هدف مؤسسات آموزش عالی این است که نه تنها به دانشجویان کمک کنند که رفتارهای معینی را یاد بگیرند و آن‌ها را به وظایف مربوط به شغل انتقال دهند، بلکه دانشجویان را برای زمانی که فرصت‌هایی در آینده به‌وجود آمد و برای اجرای شایسته آماده کنند. برای تحقق این امر مؤسسات آموزشی دامنه گسترده‌ای از ارزیابی‌ها را برای شناسایی شایستگی به‌کار می‌بندند که دانشجویان را برای آماده‌شدن به‌منظور ورود به دنیای کار آینده یاری کند. از دیگر ویژگی‌های این نظام این است:

- دانشجویان اطمینان و اعتماد به‌نفس کسب خواهند کرد.

- بر حوزه‌های خاص تسلط می‌یابند.
- در مورد عمق و وسعت شایستگی مورد نیاز آگاهی خواهند یافت.
- به آن‌ها فرصت کافی داده خواهد شد تا سطح خاصی از شایستگی را کسب کنند و در صنایع متناسب به‌آسانی به‌کار گرفته شوند (کریمی و مؤمنی ۱۳۹۰: ۷۹).

۵. شایستگی در باستان‌شناسی

توسعه دانش و معلومات زیربنای توسعه مهارت‌ها و نگرش به‌شمار می‌آید و به‌تنهایی و به‌خودی‌خود تأثیر چندانی در توسعه شایستگی‌ها ندارد. شایستگی دامنه وسیعی از مشخصات و ویژگی‌ها، شامل دانش، مهارت‌ها، توانایی‌ها، صفات، نگرش‌ها و برخوردها، انگیزه‌ها، و رفتارهاست که می‌تواند فرد را قادر سازد تا کار و وظیفه خود را به‌طور اثربخش و نتیجه‌بخشی به‌پایان برساند و این خصیصه و ویژگی می‌تواند براساس معیارها و استانداردهای عملکرد قابل قبول اندازه‌گیری شود (شاه‌طالبی و دیگران ۱۳۹۵: ۲۳).

پژوهندگانی که در زمینه الگوی مبتنی بر شایستگی برای بررسی برنامه‌های درسی کار کرده‌اند برای سنجش این برنامه‌ها چند روش را اتخاذ کرده‌اند. برخی برای محتوای شایستگی بازار کار را در نظر گرفته‌اند و برخی دیگر با استفاده از روش پرسش از صاحب‌نظران بعضی از شاخص‌های درسی را مبنای تحلیل قرار داده‌اند. اما در این‌جا به این علت که در بازار کار ایران نیاز به رشته باستان‌شناسی به‌معنای اصیل آن تعریف نشده است و حتی می‌توان اذعان داشت که اهدافی که در سرفصل برنامه‌های آموزشی از تربیت دانش‌آموختگان این رشته در مقاطع مختلف آمده یا در عمل هرگز به واقعیت نپیوستند (برای نمونه، به‌کارگیری دانش‌آموختگان مقطع کارشناسی در آموزش و پرورش^۱) یا مناسب سال‌های پیشین و مقتضیات آن زمان بودند و در حال حاضر کاربرد ندارند (مانند تربیت نیروی کارشناسی ارشد به‌منظور تأمین اعضای هیئت علمی دانشگاه تهران یا تربیت مدرس^۱)، مهارت‌های جهانی تعریف‌شده برای یک باستان‌شناس به‌منزله شاخص سنجش برنامه‌های درسی در نظر گرفته شده است.

زمانی که مسئولان برنامه آموزشی اهداف برنامه را تعیین کردند در قدم بعدی ویژگی‌های دانش‌آموختگی ابلاغ‌شده را براساس اهداف برنامه تحدید و به‌صورت دقیق‌تری تعریف می‌کنند. منظور از ویژگی‌های دانش‌آموختگی شامل آن دسته از مؤلفه‌های شایستگی است که باید در طول یک برنامه آموزشی پرورش یابند (ابراهیم‌آبادی و دیگران ۱۳۹۷: ۲۷-۲۸).

در این فرایند پس از تشخیص نیازها و تعیین هدف‌ها لازم است که محتوا انتخاب و سازمان‌دهی شود، به طوری که زمینه برای تحقق هدف‌ها فراهم گردد (کریمی و دیگران ۱۳۹۵: ۱۵). در این جا مهارت‌هایی که در فهرست شبکه (O*NET) به منزله مهارت‌های پایه مورد نیاز دانش آموخته باستان‌شناسی آمده، شاخص تحلیل محتوای شایستگی آموزشی باستان‌شناسی در نظر گرفته شده است.

این مهارت‌ها^{۱۲} عبارت‌اند از:

- توانایی به کارگیری اصول و مفاهیم تئوری برای مسائل باستان‌شناختی هم از دیدگاه انسانی و هم از دیدگاه علمی (مفاهیم نظری در باستان‌شناسی).
 - دانش در مورد بافت‌های فرهنگی، اجتماعی، و تاریخی در بازه‌های مختلف تاریخی.
 - آگاهی نسبت به نقش‌های سیاسی، اقتصادی، و اجتماعی گذشته در دنیای امروز.
 - مهارت در کار میدانی و تسلط بر فنون شناسایی، بررسی سطحی، کاوش، و نمونه برداری.
 - مهارت‌های پس از کاوش شامل فنون تجزیه و تحلیل لایه‌نگاری، فزبندی و تفسیر، مطالعه داده‌ها، و آرشیو کردن داده‌ها.
 - مهارت‌های کتاب‌خانه‌ای مانند ثبت، اندازه‌گیری، تحلیل، و تفسیر مواد باستان‌شناسی.
 - توانایی به کارگیری تکنیک‌های کامپیوتری در فرایند بررسی داده‌ها.
 - مهارت استفاده و تفسیر داده‌های فضایی در مقیاس‌های مختلف.
- بنابراین، سرفصل‌های درسی در تمامی مقاطع باید به گونه‌ای تنظیم شوند که این مهارت‌ها را پوشش دهند. البته نباید از نظر دور داشت که مهارت‌های نام‌برده شده تخصصی‌اند و در کنار آن‌ها مهارت‌های عمومی دیگری نیز هم‌چون تسلط بر یک زبان خارجی و تسلط بر انواع نرم‌افزارهای کاربردی نیز در این شبکه آمده است.^{۱۳}

۶. تحلیلی بر برنامه‌های درسی رشته باستان‌شناسی براساس شاخص تحلیل محتوای شایستگی آموزشی رشته

این بررسی فقط براساس عنوان‌های درسی حاضر در برنامه‌های درسی هر سه مقطع است و مهارت‌های گفته شده شاخص تحلیل در نظر گرفته شده‌اند. اشاره به این نکته ضروری است که برای تغییر برنامه‌های درسی دانشگاهی باید براساس الگوها و مدل‌های استاندارد

برنامه‌ریزی درسی و تحصیلی پیش رفت و نباید سلیقه‌ای عمل کرد. مسئله‌ای که در عمل در زمان برنامه‌ریزی درسی رشته باستان‌شناسی به‌هیچ‌عنوان مورد نظر قرار نگرفته است. مهارت اول درس‌های مشتمل بر مفاهیم نظری فلسفی از دیدگاه باستان‌شناسی و انسان‌شناسی است. در میان درس‌های ارائه‌شده در برنامه درسی مقطع کارشناسی باستان‌شناسی کم‌تر درسی را می‌توان یافت که با ماهیت باستان‌شناسی در ارتباط باشد و پایه‌های نظری آن را معرفی کرده باشد. درس «مبانی فرهنگی باستان‌شناسی» و درس «تاریخچه علم باستان‌شناسی» را می‌توان در این راستا قرار داد، اما در رئوس مطالب^۴ درس تاریخچه مباحثی چون تاریخچه این علم در جهان و ایران، آشنایی با محل‌های حفاری‌شده در مناطق مختلف ایران، و نقاط باستانی بین‌النهرین که تاکنون مورد کاوش قرار گرفته و کاوش‌گران آن معرفی شده است. از این رئوس مطالب می‌توان دریافت که دیدگاه برنامه‌ریزان حاضر در شورای برنامه‌ریزی تا چه اندازه در مورد بحث تاریخچه با ماهیت واقعی تاریخچه باستان‌شناسی تفاوت داشته است.

اگرچه تاریخچه محل‌های کاوش‌شده می‌تواند مهم باشد، اما درس تاریخچه باستان‌شناسی باید تاریخ شکل‌گیری باستان‌شناسی را به بحث بگذارد. جایگاه این رئوس در این درس نیست. تاریخچه باستان‌شناسی فقط تاریخچه‌ای از علم باستان‌شناسی نیست. درحقیقت، تاریخچه همه رشته‌ها شامل تاریخ فرهنگی، سیاسی، مذهبی، تاریخ استعماری مربوط به سرگذشت زنان، تاریخ کار، و تاریخ اقتصادی است. باستان‌شناسی در خلأ ایجاد نمی‌شود. تاریخچه باستان‌شناسی ترکیبی از مردم، مکان‌ها، نهادها، عقاید، ملت‌ها، اشیا، و جوامع است (موشنسکا ۱۳۹۶: ۱۶۶). هم‌چنین، در بین درس‌های کارشناسی هیچ درسی مرتبط با فلسفه باستان‌شناسی تعریف نشده است. به‌گفته ملاصالحی:

اهمیت فلسفه، معرفت‌شناسی، و نقدهای نظری رشته‌ها و دانش‌ها در این است که می‌تواند تصویری خردمندانه، جامع‌نگر، و انتقادی‌تر از هویت و ماهیت آن‌ها و این‌که به‌درستی چه هستند و چه نیستند ارائه دهد. ماهیت پیچیده و چندگون باستان‌شناسی به‌مثابه یک رشته و دانش دانشگاهی بدون فهم فلسفی و معرفت‌کاوانه آن فهم‌پذیر نیست. اقشار متوسط و نخبگان اجتماعی بدون آن‌که بدانند در درون باستان‌شناسی چه اتفاقی افتاده از دستاوردها، اطلاعات، معلومات، و معارف آن استفاده‌های بسیار برده و مناظر و معارفی که باستان‌شناسان از گذشته به روی خاص و عام گشوده‌اند همواره در معرض سوءاستفاده‌ها و برداشت‌های ناراست قرار گرفته است. باستان‌شناسی ایران فارغ از خمیرمایه فکری و نظری لازم و ناآشنا به هستی و چیستی واقعی دانش

باستان‌شناسی و ناآگاه به ماهیت واقعیت‌های شبه‌واقعی و مخدوش و خاموش و ناقص شواهد باستان‌شناختی و پیکره و شقه‌شده موضوعات مورد مطالعه و هم‌چنین، کاستی‌های تجربی و نارسایی‌ها و ناکامی‌های معرفتی آن وارد منطقه‌های پیچیده مشاهدات باستان‌شناسی شده است (ملاصالحی ۱۳۸۴: ۶).

اگرچه تعداد اندکی از واحدهای درسی دوره کارشناسی را می‌توان تاحدودی با این مهارت مرتبط کرد، اما این تعداد اندک کافی به‌نظر نمی‌رسد. همان‌طور که در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری این رشته هیچ عنوان درسی‌ای که بتواند این مهارت را پوشش دهد دیده نمی‌شود. مبحث مهم دیگر که با ماهیت رشته در ارتباط است و در برنامه‌های درسی مغفول مانده است مباحث نظری و انواع رویکردهای باستان‌شناختی است. متخصص باستان‌شناسی برای تحلیل مواد فرهنگی نیازمند تسلط بر انواع روش‌ها و نظریه‌ها در باستان‌شناسی است، اما درس‌های تعریف‌شده مبحث روش‌شناسی را در باستان‌شناسی در بر نمی‌گیرند.

در مهارت دوم که در مورد آگاهی از بافت‌های فرهنگی، اجتماعی، و تاریخی دوره‌های تاریخی گوناگون است بیش‌ترین فراوانی دیده می‌شود و بیش‌تر درس‌ها در هر مقطع تحصیلی حول این محور است. اگرچه باید به این نکته نیز اشاره کرد که بسیاری از درس‌های ارائه‌شده در مقطع کارشناسی ارشد در هر سه گرایش، درس‌های تکراری دوره کارشناسی است و علاوه بر عنوان مشترک، هدف تعریف‌شده برای هر یک از درس‌ها و نیز رئوس مطالب نیز براساس برنامه مصوب شورای عالی برنامه‌ریزی یکسان است و هیچ تفاوتی دیده نمی‌شود.

مهارت سوم آگاهی در مورد نقش‌های سیاسی، اقتصادی، و اجتماعی گذشته در دنیای امروز است و به‌نوعی ارتباط آن‌چه در گذشته وجود داشته با زمان حال را مدنظر دارد. به‌عبارت‌دیگر، کاربرد داده‌های باستان‌شناسی در دنیای امروز. در هیچ‌یک از مقاطع تحصیلی عنوان درسی یا سرفصل جزئی‌ای در این باره تعریف نشده است. ممکن است که استادان براساس سوبیه‌های فکری و تحلیلی خود دانشجویان را به این سمت سوق دهند، اما چون مراد در این‌جا بررسی برنامه درسی مصوب است، می‌توان گفت که در تمامی واحدهای درسی در تمامی مقاطع این رشته این مهارت در نظر گرفته نشده است.

دیگری، مهارت در کار میدانی و تسلط بر فنون آن است. در دوره کارشناسی بیست واحد درسی ذیل این مهارت تعریف شده است. در واقع، مهارت در کار میدانی ویژگی

اساسی یک باستان‌شناس و محور ماهیتی کار باستان‌شناسی را در بر می‌گیرد و جایگاه آن در همان دوره کارشناسی است. اما آنچه باعث می‌شود در دیگر کشورها ارائه واحدهای عملی فقط به دوره کارشناسی محدود شود و دانشجوی کارشناسی ارشد یا دکتری از این واحد درسی بی‌نیاز شود این است که کاوش و کار میدانی به‌منزله شغل آن‌ها تعریف شده است، اما در ایران چنین نیست و بسیاری از افراد در خوش‌بینانه‌ترین حالت ممکن همان دوره کارآموزی را می‌توانند بگذرانند و ممکن است دیگر شانس حضور در تیم‌های کاوش را پیدا نکنند. خوش‌بینانه از این نظر که موقعیت دانشگاه محل تحصیل و اعتبارات آن به‌شکلی باشد که بتواند بستر حضور دانشجویان را در کار عملی فراهم کند. البته، در صورتی که این دوره به‌شیوه علمی و با تجهیزات خاص خود (همانند دانشگاه تهران) برگزار شود، می‌تواند تمامی موارد این شاخص و شاخص بعدی را پوشش دهد.

مهارت بعدی نیز دوباره در ذیل کار میدانی و کاوش قرار می‌گیرد و فقط کاوشی که کاملاً منطبق با استانداردهای بنیادی آن انجام شود می‌تواند به‌صورت عینی و واقعی این مهارت‌ها را در دانشجو پرورش دهد. ضمن آن‌که باید در نظر داشت که در کاوش یک محوطه لزوماً ممکن است تمامی روش‌ها و قواعد و ضوابط به‌کار نیاید و این موضوع بستگی کامل به نوع محوطه، تاریخ آن، و شرایط کاوش اعم از کاوش معمولی یا نجات‌بخش و ... دارد. به‌دیگرسخن، کاوش هر محوطه باستانی براساس موقعیت خود ضوابط روشی خاص خود را می‌طلبد و نمی‌توان گفت که مثلاً به‌علت بیست واحد کاوش در محل دانشجو تمامی مهارت‌های مرتبط با کاوش را کسب می‌کند.

مهارت بعدی، که مهارت‌های کتاب‌خانه‌ای مانند ثبت، اندازه‌گیری، تحلیل، و تفسیر مواد باستان‌شناسی است، اگرچه می‌تواند به کار میدانی مرتبط باشد، اما شیوه‌های تحلیل و تفسیر داده‌های باستان‌شناسی و همچنین، روش‌های اندازه‌گیری و ثبت و ضبط به آموزش تئوری این مهارت‌ها نیاز دارند تا پس‌از آن در کارهای میدانی پیاده‌سازی شوند که البته می‌توان درس تئوری روش کاوش و آثار باستانی را در دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد ذیل این مهارت تعریف کرد، اما کافی به‌نظر نمی‌رسد.

توانایی به‌کارگیری فناوری‌های کامپیوتری در بررسی داده‌ها دیگر مهارتی است که فقدان آن در برنامه‌های آموزشی رشته باستان‌شناسی در تمامی مقاطع وجود دارد. این نوع مباحث جزو مهارت‌های اصلی موردنیاز باستان‌شناس است که جایی در برنامه درسی آموزشی در ایران ندارد. این‌ها مباحثی جدید است که با پیشرفت‌های فناوری در سال‌های اخیر در باستان‌شناسی نیز به‌کار گرفته شده‌اند.

آخرین مورد مهارت استفاده و تفسیر داده‌های فضایی در مقیاس‌های مختلف است. داده‌های فضایی یا اطلاعات جغرافیایی داده‌ها یا اطلاعاتی است که موقعیت جغرافیایی عنصری را روی زمین نشان می‌دهد و دسترسی به آن‌ها با استفاده از روش‌هایی چون سنجش از دور یا عکس‌های هوایی و ... امکان‌پذیر است. در سرفصل‌های آموزشی تمامی مقاطع باستان‌شناسی فقط دو واحد درسی مرتبط با کاربردهای عکس‌های هوایی در درس‌های مقطع دکتری تعریف شده است که نمی‌تواند کافی باشد.

در مورد فقدان دو مهارت اخیر در برنامه‌های درسی رشته باستان‌شناسی باید گفت محتوای درس‌های هر رشته‌ای باید با توجه به مقتضیات زمان و نیاز جامعه تهیه شود و در درس‌های خاص جنبه‌های کاربردی آموزش لحاظ شود و فقط به ذکر مباحث تئوری اکتفا نشود و هم‌چنین، این محتوا باید با جدیدترین پیشرفت‌ها و دستاوردهای علمی رشته هماهنگ باشد و به تعبیر بهتر، روزآمد باشد و به گونه‌ای طراحی شود که بتوان آن‌ها را با تحولات و دانش روز هماهنگ کرد (فردانش ۱۳۷۸: ۴۷). به‌روزی بودن برنامه‌های درسی رشته باستان‌شناسی کاملاً روشن و واضح است. براساس علوم میان‌رشته‌ای که امروزه در سطح جهان به‌کمک باستان‌شناسی آمده است، تعداد بسیاری از مباحث وجود دارند که هیچ‌یک از آن‌ها در برنامه درسی هیچ‌یک از مقاطع باستان‌شناسی در ایران لحاظ نشده است. باستان‌شناسی منظر، رایانه در باستان‌شناسی، باستان‌شناسی و میان‌رشته‌ها، آمار و کاربرد آن در باستان‌شناسی، انسان‌شناسی جسمانی، باستان‌سنجی، عکاسی در باستان‌شناسی، نقشه‌کشی و نقشه‌برداری، روش‌های آنالیز مواد، کاربرد جی. آی. اس. در باستان‌شناسی از جمله مباحث کاربردی و منطبق با کاربرد روز این دانش در جهان است که در ایران دانشجوی باستان‌شناسی در هیچ‌یک از مقاطع تحصیلی با آن‌ها برخورد نمی‌کند. به‌دیگرسخن، از لحاظ کاربردی، درس‌های برنامه‌ریزی‌شده در این رشته با جمع‌آوری اشیای باستانی و توصیف عملیات کاوش و اطلاعات راجع به اشیای یافت‌شده و شرح و مقایسه آن‌ها با اشیای به‌دست‌آمده از دیگر مناطق مرتبط است و قرابتی با روش‌های تحلیلی باستان‌شناسی ندارد. یکی از دلایل این مسئله آن است که رشته‌ای مانند باستان‌شناسی پویاست و بسیار اتفاق می‌افتد که با کشف آثار جدید در محل‌های جدید نظریه‌های قبلی تغییر کرده باشد. بنابراین، طبیعت این دانش چنین اقتضا می‌کند که سرفصل‌های درسی آن به‌تناوب بازنگری شوند تا بتوانند با آخرین تحولات علمی روز هماهنگی پیدا کنند.

۷. نتیجه‌گیری

به‌طور کلی، باید گفت که مراکز آموزشی باستان‌شناسی نقشی بسیار اساسی در جلورفت یا پس‌رفت باستان‌شناسی ایران دارند. آنچه از نحوه شکل‌گیری و توسعه رشته باستان‌شناسی و هم‌چنین برنامه‌های درسی مقاطع مختلف برمی‌آید نشان می‌دهد که وضعیت کنونی مراکز آموزشی باستان‌شناسی ایران چندان مطلوب نیست. نبود امکانات و ضعف برنامه‌ریزی در ساختار کلی این مراکز از یک‌سو، و بی‌توجهی به تخصص‌پذیری و به‌روزشدن در عرصه مطالعات باستان‌شناسی از سوی دیگر، مانع بزرگی در راه دستیابی به یک باستان‌شناسی پویا و کارآمد است. کیفیت پایین درس‌ها و بی‌توجهی به مباحث تخصصی و به‌روز و بررسی مطالب تکراری و جدی‌نگرفتن آموزش میدانی طی دوره‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد موجب شده که باستان‌شناسی ایران به موضوع‌های سطحی و ناشیانه سرگرم باشد و از پژوهش‌های اصولی و برنامه‌ریزی‌شده و هدف‌مند باستان‌شناسی که براساس چپستی‌شناسی، شناخت‌شناسی، و روش‌شناسی اصیل آن است، غافل بماند.

پس از انقلاب فرهنگی برنامه درسی در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد تدوین شد که تا امروز تغییری نکرده است. اعضای حاضر در آن شورای تخصصی نیز از استادان آن زمان گروه باستان‌شناسی نبودند و به‌تعبیری، در گزینش این برنامه درسی اعضای تخصصی گروه نقشی نداشتند. بسیاری از درس‌های مقطع کارشناسی ارشد نیز منطبق‌بر درس‌های مشابه در مقطع کارشناسی است. این‌که باوجود گذشت نزدیک به سی سال و باوجود ناکارآمدی آشکار این برنامه‌های درسی، که بارها نیز مورد نقد قرار گرفته است و هنوز تغییری در آن‌ها داده نشده است، بسیار جای تأمل دارد. پر واضح است که ساختار فعلی واحدهای درسی به‌سوی یک باستان‌شناسی پویا و کارآمد نیست. تحول و پیشرفت باستان‌شناسی ایران مستلزم تحول در بخش‌های آموزشی و پژوهشی و ارتباط تنگاتنگ میان این دو است.

بنابراین، در یک جمع‌بندی کلی می‌توان براساس این بررسی مشاهده کرد که در برنامه‌های درسی رشته باستان‌شناسی در تمامی مقاطع بیش‌ترین تأکید بر مهارت «دانش درمورد بافت‌های فرهنگی، اجتماعی، و تاریخی در بازه‌های مختلف تاریخی» قرار گرفته است و درس‌ها به‌صورت مکرر در تمامی مقاطع تکرار می‌شوند و دیگر مهارت‌ها که عملاً وجه‌تمایز یک متخصص باستان‌شناسی را شکل می‌دهند در برنامه‌های درسی جایگاهی ندارد. این بررسی حاکی از آن بود که طراحی این برنامه‌های درسی بیش‌تر صبغه

موضوع محور دارد و از این طریق آنچه بیش از همه به فراگیر انتقال می‌یابد مجموعه‌ای از دانش و اطلاعات است و بعید می‌نماید این رویکرد بتواند در زمینه ایجاد مهارت‌ها و شایستگی‌های لازم راه به جایی ببرد. این روند باید به رویکردی که پرورش صلاحیت‌ها و مهارت‌های پایه را در نظر دارد تغییر کند و برنامه درسی‌ای طراحی شود که دانش، توانایی و مهارت، نگرش، و گرایش‌های موردنیازی را که دانش‌آموخته یک رشته برای موفقیت در حرفه‌اش باید داشته باشد فراهم کند. اگرچه اساس چنین برنامه‌ریزی درسی‌ای بر آن است که در درجه اول محتوای آموزشی با نیاز بازار کار هماهنگ شود، اما شوربختانه در ایران در عمل بازار کاری نیز برای این رشته تعریف نشده تا براساس آن بتوان برنامه‌ریزی کرد. گفتنی است که تحلیل بر مبنای رویکرد شایستگی که در این‌جا انجام شد براساس استانداردهای مهارتی باستان‌شناسی بود و این مهارت‌ها به‌منزله شاخص در نظر گرفته شدند؛ اما پیش‌نهاد می‌شود در تدوین برنامه‌های درسی رشته باستان‌شناسی با رویکرد شایستگی از دیدگاه‌های ذی‌نفعان (دانشجویان، دانش‌آموختگان، و شاغلین مرتبط) و صاحب‌نظران (استادان) به‌منظور شناسایی و تعیین شایستگی‌ها استفاده شود.

پی‌نوشت‌ها

۱. این مقاله مستخرج از طرحی پژوهشی در قالب طرح کلان اعتلای علوم انسانی در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با عنوان «بررسی و تحلیل تاریخی وضعیت برنامه‌های آموزشی از حیث مهارت‌افزایی دانشجویان رشته باستان‌شناسی و اشتغال دانش‌آموختگان آن در مقاطع گوناگون تحصیلی از آغاز تا امروز (۱۳۹۶)» است.
۲. برای اطلاعات بیشتر از فهرست این درس‌ها، بنگرید به *سال‌نامه دانش‌سرای عالی* ۱۳۱۵ و هم‌چنین، سعیدی هرسینی ۱۳۷۹: ۵۰-۵۵.
۳. برای اطلاعات بیشتر در مورد عیسی بهنام، بنگرید به زارع ۱۳۷۸: ۴۶-۴۹.
۴. برای اطلاعات بیشتر در این مورد، بنگرید به نگهبان ۱۳۷۶.
۵. برای اطلاعات بیشتر، بنگرید به ملک‌شهمیرزادی ۱۳۸۲: ۵۵.
۶. برای فهرست این درس‌ها، بنگرید به برنامه درسی کارشناسی رشته باستان‌شناسی مصوب چهل‌ودومین جلسه شورای عالی برنامه‌ریزی مصوب ۱۳۶۵/۰۲/۰۶.
۷. برای فهرست این درس‌ها، بنگرید به برنامه درسی کارشناسی ارشد رشته باستان‌شناسی مصوب پنجاه‌وششمین جلسه شورای عالی برنامه‌ریزی مورخ ۱۳۶۵/۰۷/۰۵.

۸. برای فهرست این درس‌ها، بنگرید به برنامه‌ی درسی دکتری رشته‌ی باستان‌شناسی مصوب سی‌صد و پنجمین جلسه‌ی شورای عالی برنامه‌ریزی مورخ ۱۳۷۴/۰۷/۳۰.
۹. این برنامه منبع اصلی اطلاعات شغلی کشور آمریکا است و از اطلاعات آن برنامه‌هایی برای تسهیل توسعه و نگهداری از نیروی کار ماهر ایجاد شده است. این داده‌ها برای کمک به افراد برای یافتن آموزش و شغل موردنیاز بسیار حیاتی است و به کارفرمایان برای به‌کارگیری کارمندان ماهر کمک می‌کند: <<https://www.onetcenter.org/overview.html>>.
۱۰. برای آگاهی از این اهداف، بنگرید به برنامه‌ی مصوب کارشناسی رشته‌ی باستان‌شناسی مصوب چهل و دومین جلسه‌ی شورای عالی برنامه‌ریزی، صفحه ۵.
۱۱. برای آگاهی از این اهداف، بنگرید به برنامه‌ی مصوب کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، مصوب پنجاه و ششمین جلسه‌ی شورای عالی برنامه‌ریزی، صفحه ۵.
۱۲. برای اطلاعات بیشتر، بنگرید به: <<https://www.onetonline.org/link/summary/19-3091.02>>.
۱۳. برای اطلاعات بیشتر، بنگرید به: <<https://www.onetonline.org/link/summary/19-3091.02>>.
۱۴. برای آگاهی از این رئوس مطالب، بنگرید به برنامه‌ی مصوب کارشناسی رشته‌ی باستان‌شناسی مصوب چهل و دومین جلسه‌ی شورای عالی برنامه‌ریزی، مصوب ۱۳۶۵/۰۲/۰۶، بخش سوم، صفحه ۱۷.

کتاب‌نامه

- ابراهیم‌آبادی، فرهاد و دیگران (۱۳۹۷)، «مدیریت چرخه‌ی شایستگی و برنامه‌ریزی آموزشی در دوره‌ی کارشناسی فناوری اطلاعات»، فصل‌نامه‌ی پژوهش در برنامه‌ریزی درسی، س ۱۵، ش ۳۱.
- بینقی، تقی و محمود سعیدی رضوانی (۱۳۸۰)، «طراحی برنامه‌ی درسی علوم کاربردی در دوره‌های آموزش عالی: یک الگوی مناسب»، کنفرانس ملی تکنولوژی در آموزش عالی.
- زارع، شهرام (۱۳۷۸)، «نگاهی به برنامه‌ی درسی گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران»، فصل‌نامه‌ی باستان‌پژوهی، س ۲، ش ۷.
- زارع، شهرام (۱۳۸۰)، «نگاهی به برنامه‌های آموزشی باستان‌شناسی در ایران: گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران»، فصل‌نامه‌ی آثار، ش ۲.
- زارع، شهرام (۱۳۸۷)، «یاد یار ... دکتر عیسی بهنام»، فصل‌نامه‌ی آثار، س ۱، ش ۱.
- سال‌نامه‌ی دانش‌سرای عالی (۱۳۱۴ - ۱۳۱۵)، تهران.
- سعیدی هرسینی، محمدرضا (۱۳۷۹)، «نگاهی به سرفصل‌های درسی رشته‌ی باستان‌شناسی»، مجله‌ی سخن سمت، دوره ۵، ش ۶.
- سعیدی هرسینی، محمدرضا و احمد چایچی امیرخیز (۱۳۹۱)، «بررسی و تحلیل سیر کیفی و کمی محتوای آموزشی دروس باستان‌شناسی ایران»، مجله‌ی پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، ش ۲۶.

تحلیلی بر التزام بازیابی برنامه‌های درسی رشته باستان‌شناسی ... (مهسا ویسی) ۳۹۷

شاه‌طالبی، سمیه، محمدجواد لیاقت‌دار، و فریدون شریفیان (۱۳۹۵)، «شایستگی‌های مهارتی دانش‌آموختگان دکتری برنامه درسی ایران؛ بررسی دیدگاه صاحب‌نظران و متخصصان برنامه درسی»، فصل‌نامه پژوهش در برنامه‌ریزی درسی، س ۱۳، ش ۲۵.

شورای عالی برنامه‌ریزی (۱۳۶۵)، مشخصات کلی برنامه و سرفصل دروس دوره کارشناسی باستان‌شناسی، مصوب چهل‌ودومین جلسه شورای عالی برنامه‌ریزی.

شورای عالی برنامه‌ریزی (۱۳۶۵)، مشخصات کلی برنامه و سرفصل دروس دوره کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، مصوب پنجاه‌وششمین جلسه شورای عالی برنامه‌ریزی.

شورای عالی برنامه‌ریزی (۱۳۷۴)، مشخصات کلی برنامه و سرفصل دروس دوره دکتری باستان‌شناسی، مصوب سی‌صدوپنجمین جلسه شورای عالی برنامه‌ریزی.

شهبازی، رحیم و دیگران (۱۳۸۱)، «تحلیل سرفصل‌های برنامه‌های درسی مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی براساس فرصت‌های شغلی نوظهور مبتنی بر فناوری اطلاعات در بازار کار جهانی»، فصل‌نامه علمی کتاب‌داری و اطلاع‌رسانی، دوره ۱۸، ش ۲.

عارفی، محبوبه (۱۳۸۴)، برنامه‌ریزی درسی راه‌بردی در آموزش عالی، تهران: جهاد دانشگاهی دانشگاه شهید بهشتی.

عبدی، کامیار (۱۳۸۱)، «به‌جای سرمقاله باستان‌شناسی یا تاریخ هنر و یا ...»، فصل‌نامه باستان‌پژوهی، س ۴، ش ۱۰.

فردانش، هاشم (۱۳۷۸)، «سرفصل‌ها و جایگاه آن‌ها در برنامه آموزش عالی کشور»، مجله سخن سمت، ش ۵.

کدخدایی، محبوبه‌السادات و دیگران (۱۳۹۶)، «طراحی الگوی آموزش دانشگاهی مبتنی بر شایستگی برای رشته‌های علوم انسانی»، فصل‌نامه علمی - پژوهشی آموزش عالی ایران، س ۹، ش ۱.

کرمی، مرتضی و حسین مؤمنی مهموئی (۱۳۹۰)، «بازار کار جهانی و تأثیر آن بر طراحی برنامه درسی»، فصل‌نامه علمی - پژوهشی مطالعات برنامه درسی ایران، س ۶، ش ۲۱.

کریمی، صدیقه، احمدرضا نصر، و مصطفی شریف (۱۳۹۵)، «چالش‌های دانشگاه در تدوین محتوای متناسب با شایستگی‌های یادگیرنده مادام‌العمر»، فصل‌نامه پژوهش در برنامه درسی، س ۱۳، ش ۲۳.

مرجانی، بهناز (۱۳۹۵)، «گذر از برنامه درسی سنتی به برنامه درسی مبتنی بر شایستگی»، فصل‌نامه رشد آموزش فنی و حرفه‌ای و کار دانش، دوره ۱۲، ش ۲.

ملاصالحی، حکمت‌الله (۱۳۸۴)، «سخن نخست سرگفتار باستان‌شناسی»، دوفصل‌نامه تخصصی پژوهش‌های باستان‌شناسی و مطالعات میان‌رشته‌ای، س ۱، ش ۱.

ملک‌شهمیرزادی، صادق (۱۳۸۲)، ایران در پیش از تاریخ، باستان‌شناسی ایران از آغاز تا سپیده‌دم شهرنشینی، تهران: میراث فرهنگی.

منصوری گرگر، رحیمه، اکبر صالحی، و عفت عباسی (۱۳۹۵)، «ویژگی‌های برنامه‌های درسی در عصر جهانی شدن و بین‌المللی کردن برنامه درسی»، فصل‌نامه علمی — پژوهشی پژوهش در برنامه درسی، س ۱۳، ش ۲۳.

موشنسکا، گابریل (۱۳۹۶)، «چرا تاریخچه باستان‌شناسی اهمیت دارد»، ترجمه مه‌ران منتشری، دوفصل‌نامه علمی — تخصصی خردنامه، س ۸، ش ۱۸.

مؤمنی مهموئی، حسین و علی شریعتمداری (۱۳۸۸)، «طراحی الگوی برنامه‌ریزی درسی مبتنی بر شایستگی برای مقطع کارشناسی رشته آموزش ابتدایی»، دوفصل‌نامه مدیریت و برنامه‌ریزی در نظام‌های آموزشی، دوره ۱، ش ۲.

مؤمنی مهموئی، حسین، علی شریعتمداری، و عزت‌الله نادری (۱۳۸۷)، «برنامه درسی مبتنی بر شایستگی در آموزش عالی»، پژوهش‌نامه تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بجنورد، س ۵، ش ۱۷.

مؤمنی مهموئی، حسین، اسماعیل کاظم‌پور، و محمد نفرشی (۱۳۹۰)، «برنامه‌ریزی درسی مبتنی بر شایستگی؛ راه‌بردی مطلوب برای توسعه شایستگی‌های اساسی»، فصل‌نامه راه‌بردهای آموزش، دوره ۴، ش ۳.

نگهبان، عزت‌الله (۱۳۷۶)، مروری بر پنجاه سال باستان‌شناسی ایران، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور. هدایتی، اکبر و دیگران (۱۳۹۵)، «طراحی و اعتباریابی الگوی برنامه درسی مبتنی بر شایستگی برای دوره کارشناسی ارشد رشته برنامه درسی»، فصل‌نامه علمی — پژوهشی پژوهش‌های کیفی در برنامه درسی دانشگاه علامه طباطبائی، س ۱، ش ۴.

یوسفی افراشته، مجید و دیگران (۱۳۹۳)، «دستاوردهای یادگیری موردانتظار از دانش‌آموختگان کارشناسی رشته علوم آزمایشگاهی از نظر کارفرمایان: یک پژوهش کیفی»، مجله تحقیقات کیفی در علوم سلامت، ش ۲.